

تأثیر آزاد سازی تجارت بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

دکتر حسین کریمی هسینجه*

دکتر کیومرث آقایی**

تاریخ دریافت: ۸۵/۰۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۸۶/۰۷/۰۵

چکیده

آزاد سازی تجارت، که براساس شاخص درجه باز بودن اقتصاد^۱ از عوامل مؤثری است که می تواند در بحث تجارت خارجی و افزایش آن مؤثر باشد. به طوری که در مسیر حرکت اقتصاد امروز جهان، رشد اقتصادی در صورتی می تواند مداوم تلقی گردد که کشورها بتوانند فعالیت های دارای ارزش افزوده بالاتر و جدیدتر را گسترش و توسعه دهند و از این طریق سهم مناسبی در بازارهای جهانی به دست آورند. در این صورت سرمایه گذاری مستقیم خارجی همراه تولید بین المللی و جهانی و توسعه تجارت بین الملل می تواند نقش مؤثری ایفا، و تأثیرات مهمی ایجاد نماید. در این مقاله تأثیر آزاد سازی تجاری کشورهای عضو OIC بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) مورد تحلیل و برآورد قرار می گیرد که نتایج حاصل از روش داده های تابلویی^۲ تأثیر مناسبی از باز بودن اقتصاد را بر FDI نشان می دهد.

واژگان کلیدی: آزاد سازی تجارت - درجه باز بودن اقتصاد - سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) -

داده های تابلویی - سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)

JEL: C13, F19, F15, F17

* استادیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان، HkarimiH@econ.ui.ac.ir

** استادیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان، Kaghaie@econ.ui.ac.ir

1-Openness

2-Panel Data

۱- مقدمه

اقتصاد امروز جهان، تصویر مناسبی را از حجم تجارت خارجی به نمایش می‌گذارد. در این راستا کشورهای مختلف جهان به دنبال افزایش توانایی اقتصادهای ملی هستند و تلاش می‌کنند حجم تجارت خارجی خود را افزایش دهند تا از مزایای ایستا و پویای آن بهره‌مند گردند. یکی از مسیرهایی که کشورهای مختلف جهان در راستای افزایش تجارت خارجی خود طی می‌نمایند، روی آوردن به آزادسازی تجارت است که با عامل درجه باز بودن اقتصاد^۱ سنجیده می‌شود. آزادسازی تجارت از عوامل مؤثری است که می‌تواند در بحث تجارت خارجی و افزایش آن مؤثر باشد.

از طرفی با وجود اوضاع فعلی اقتصاد جهانی، این عامل می‌تواند از معیارهای سنجش توانایی اقتصادهای ملی به حساب آید^۲ (کریمی هسنیجه، ۱۳۸۲)؛ به عبارت دیگر هرچه کشوری از اقتصاد بازاری برخوردار باشد، موقعیت مناسب‌تری برای حضور در عرصه‌های جهانی و بین‌المللی خواهد داشت به طوری که آزادسازی با کاهش محدودیت‌های مقداری و حذف نسبی تعرفه‌ها، موانع تجاری را به حداقل می‌رساند و زمینه ادغام اقتصادی را فراهم می‌آورد. در این میان توانایی و سهم کشور مربوطه در وابستگی متقابل جهانی افزایش می‌یابد.

به علاوه تأثیر آزادسازی تجارت بر حجم تجارت خارجی می‌تواند عوامل و شاخصهای اقتصادی در عرصه بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دهد و مسیر مناسبی را برای بهره‌برداریهای مفید و مثبت اقتصادی به روی کشورهای جهان باز کند. استفاده از سرریزهای تکنولوژی، استفاده از سرمایه و منابع مالی، تقسیم کار بین‌المللی، دسترسی به بازارهای مصرف وسیعتر و جدید و حضور در تولید بین‌المللی از جمله این شاخصهای اقتصادی است. شاید از میان این شاخصها، بهره‌مندی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از اهمیت بیشتری برخوردار باشد. چرا که کاهش منابع مالی ملی و حجم پس‌اندازهای داخلی را حیران نموده و منابع مالی لازم را برای سرمایه‌گذاریهای بیشتر فراهم می‌آورد و سهم ملی کشورها را در تولید و مصرف بین‌المللی افزایش می‌دهد.

این مطلب در مورد کشورهای در حال توسعه و از جمله کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) به دلیل عدم کفایت منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری، اهمیت بیشتری خواهد داشت. کشور ایران نیز از جمله کشورهایی است که می‌تواند در این مسیر از سرمایه‌گذاری

1-Openness

۲- (۱۳۸۲) کریمی هسنیجه

مستقیم خارجی بهره لازم را ببرد و سهم تجارت خارجی خود را در عرصه جهانی افزایش دهد. در عرصه تجارت جهانی و افزایش روز افزون آن، سرمایه گذاری مستقیم خارجی توسط شرکتهای فراملیتی برای ارتقای سطح رقابت پذیری و کسب سود بیشتر به حضور در مناطق مستعد و دارای مزیت متمایل می گردد.

این مطالعه تلاش می کند تأثیر آزادسازی تجارت کشورهای عضو OIC را بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI)^۱ مورد تحلیل و بررسی قرار دهد؛ به عبارت دیگر این مطالعه به دنبال بررسی رابطه آزادسازی تجارت و سرمایه گذاری مستقیم خارجی برای کشورهای عضو OIC است. در این راستا مدل FDI انتخاب شده از روش داده های تابلویی^۲ مورد برآورد قرار گرفته است. داده های مورد استفاده از منابع بین المللی نظیر بانک جهانی، سالنامه های آماری بین المللی و شاخصهای توسعه جهانی استخراج شده است و دامنه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ را پوشش می دهد. برای دستیابی به نتایج مناسب برآورد، از نرم افزارهای مربوط به اقتصادسنجی مانند TSP^{3,4} و Excel استفاده شده است تا بهترین روش برآورد انتخاب گردد.

غالب مطالعات قبل از سال ۱۹۹۵ میلادی، مدل جاذبه را به روش OLS مورد برآورد قرار داده بودند. به برای اینکه در این برآوردها عملاً تعدادی از متغیرها در نظر گرفته نمی شوند، بسیاری از تأثیرات ناهمگنی میان کشورهای مورد مطالعه در نظر گرفته نشده است. در همین راستا مطالعات بعد از سال ۱۹۹۵ میلادی به این ویژگی توجه کرده، و از روش داده های تابلویی^۳ بهره گرفته اند. مک کالوم^۴ (۱۹۹۵) در بررسی یکپارچگی اقتصادی کانادا و ایالات متحده، سولوگا و وینترز^۵ (۱۹۹۹) در مطالعه توافقات ترجیحی دهه ۹۰ و چنگ و وال^۶ (۱۹۹۹) در مطالعه کنترل ناهمگنی در مدلهای جاذبه از این روش استفاده نموده اند به گونه ای در این روش تأثیرات ناهمگنی و انفرادی مربوط به کشورهای شریک را در نظر می گیرند و نتایج مناسبتری را با استفاده از سازگاری بیشتر به دست می آورند.

1-Foreign Direct Investment.

2-Panel Data.

3-Panel Data.

4-McCallum (1995)

5-Sologa & Winters (1999)

6-Cheng & Wall (1999)

۲- توسعه تجارت خارجی: آزادسازی تجارت

آزادسازی تجارت به معنای کاهش محدودیت‌ها و تعرفه‌های تجاری است که سبب می‌شود موانع تجارت برای کشورها کاهش یابد و از این مسیر حجم تجارت خارجی آنها افزایش یابد؛ به عبارت دیگر افزایش تجارت خارجی به معنای افزایش در صادرات و واردات کشورها است که سبب می‌شود منافع بسیاری در مسیر رشد و توسعه اقتصادی نصیب کشورها گردد.

درجه باز بودن اقتصاد از عوامل ویژه‌ای است که برای سنجش درجه آزادسازی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شاخص با استفاده از نسبت مجموع صادرات و واردات به GDP اسمی مورد محاسبه قرار می‌گیرد. این شاخص که در مطالعات متعدد مورد بررسی قرار گرفته، حتی در مواردی به عنوان متغیر جهانی شدن نیز به کار رفته است. گارت^۱ (۱۹۹۸-۱۹۹۷) و رودریک^۲ (۱۹۹۸-۱۹۹۷) از این شاخص استفاده کرده‌اند (کلباسی و جلالی، ۱۳۸۱). در مطالعات سالهای اخیر نظیر دلار و کری (۲۰۰۱)^۳ و هوج (۲۰۰۲)^۴ نیز این شاخص، مورد استفاده قرار گرفته است. بر مبنای این شاخص هرچه نسبت مذکور بزرگتر باشد، اقتصاد مربوط از درجه بازتری برخوردار است و بر همین اساس در کشورهایی که اقتصاد بازتری دارند، مبادلات تجاری از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد و سهم بیشتری از GDP را به خود اختصاص داده است.

آزاد سازی تجارت میان کشورهای عضو OIC حد مطلوبی را نشان نمی‌دهد، به گونه‌ای که شاخص باز بودن اقتصاد برای این کشورها از شاخص مربوط به کشورهای پیشرفته اقتصاد پایین‌تر است. اگر چه درجه باز بودن اقتصاد برای کشورهای مذکور در طول دوره مورد مطالعه افزایش داشته این افزایش چشمگیر نبوده به طوری که برای برخی از این کشورها، شاخص مورد بحث تغییر نکرده و ثابت مانده است. درجه باز بودن برای کشورهای مورد بحث در جدول شماره یک نمایش داده شده است.

1-Garrett (1997, 1998)

2-Rodrik (1997, 1998)

3-Dollar & Kraay (2001)

4-Hodge (2002)

جدول شماره ۱: درجه باز بودن اقتصاد کشورهای عضو OIC در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴

کشور	مرتبہ	درجه باز بودن اقتصاد	کشور	مرتبہ	درجه باز بودن اقتصاد
مالدیو	۱	۹۷۰	افغانستان	۲۸	۷۰
مالزی	۲	۲۲۰	سنگال	۲۹	۶۹
گویان	۳	۲۰۲	سوریه	۳۰	۶۶
چاد	۴	۱۴۷	ترکیه	۳۱	۶۴
امارات متحده عربی	۵	۱۴۷	لبنان	۳۲	۶۴
تاجیکستان	۶	۱۲۹	سیرالئون	۳۳	۶۳
اردن	۷	۱۲۸	مالی	۳۴	۶۳
ترکمنستان	۸	۱۲۴	ایران	۳۵	۶۲
آذربایجان	۹	۱۲۲	سومالی	۳۶	۶۰
گامبیا	۱۰	۱۱۰	قطر	۳۷	۶۰
بحرین	۱۱	۱۰۶	یمن	۳۸	۵۸
گابن	۱۲	۱۰۱	مصر	۳۹	۵۸
عمان	۱۳	۱۰۰	اندونزی	۴۰	۵۸
گرجستان	۱۴	۹۷	آلبانی	۴۱	۵۴
قرقیزستان	۱۵	۹۵	بنین	۴۲	۵۲
قزاقستان	۱۶	۹۵	موریتانی	۴۳	۵۰
تونس	۱۷	۹۳	گینه	۴۴	۴۸
کویت	۱۸	۹۳	کومو	۴۵	۴۴
نیجریه	۱۹	۹۲	نیجر	۴۶	۴۲
سورینام	۲۰	۸۸	اوگاندا	۴۷	۴۱
گنی بیسائو	۲۱	۸۷	الجزایر	۴۸	۴۰
بورکینافاسو	۲۲	۸۶	سودان	۴۹	۳۹
جیبوتی	۲۳	۸۵	کامرون	۵۰	۳۹
عربستان سعودی	۲۴	۷۸	بنگلادش	۵۱	۳۷
لیبی	۲۵	۷۵	پاکستان	۵۲	۳۱
ازبکستان	۲۶	۷۳	مراکش	۵۳	۷
موزامبیک	۲۷	۷۰			

همان گونه که جدول شماره یک نشان می دهد، کشورهای مالدیو، مالزی، گویان، چاد و امارات متحده عربی به ترتیب بالاترین درجه باز بودن اقتصاد در عرصه اقتصاد بین الملل را میان کشورهای عضو OIC دارا هستند. در مقابل، کشورهای مراکش، پاکستان، بنگلادش، کامرون و سودان به ترتیب از کمترین درجه باز بودن اقتصاد برخوردارند. به نظر می رسد توزیع فراوانی کشورهای عضو OIC در این جدول از تنوع جغرافیایی برخوردار است به طوری که ترکیب کشورهای عضو OIC از نظر برخورداری از بالاترین درجه باز بودن اقتصاد میان کشورهای مختلف از قاره آسیا خصوصاً آسیای میانه و غرب آسیا و آفریقا توزیع شده است.

کشور ایران نیز از نظر رتبه درجه باز بودن اقتصاد، با جایگاه ۳۵ در میان کشورهای عضو OIC در یک سوم انتهایی جدول قرار دارد. این مسئله نشان می دهد که کشور ایران با کشورهای دارای رتبه نخست، فاصله زیادی دارد؛ اگر چه میزان GDP کشور ایران ممکن است بزرگتر از GDP کشورهای مذکور باشد.

در سال های اخیر بویژه در دو دهه اخیر، کشورهای عضو OIC تلاش مضاعف نموده اند تا آزادسازی تجارت را از طریق افزایش حجم مبادلات تجاری دو جانبه و عضویت در یکپارچگی های اقتصادی و ترتیبات تجاری- منطقه ای بویژه عضویت در WTO افزایش دهند. کشورهایی مانند مالزی و اندونزی (۱۹۶۷ در آسه آن)، ایران، ترکیه و پاکستان (۱۹۶۴ در اکو) و در ادامه پیوستن کشورهای آذربایجان، ترکمنستان، تاجیکستان، افغانستان، قزاقستان و قرقیزستان به اکو و تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی (۱۹۶۹) با ۴۶ کشور اسلامی و تلاش برای ایجاد بازار مشترک اسلامی نمونه های روشنی از این تلاشها است. عضویت کشورهای عربی مسلمان حاشیه خلیج فارس در GCC (۱۹۸۱) و یا عضویت و مشارکت بعضی کشورهای اسلامی در اتحادیه همکاریهای منطقه ای کشورهای ساحلی اقیانوس هند (۱۹۹۶) و تقاضای عضویت ایران در WTO (۱۹۹۷) از جمله فعالیت سالهای اخیر این کشورها برای پیوستن به یکپارچگی های اقتصادی است (بهکیش، ۱۳۸۰).

بررسی روند شاخص درجه باز بودن اقتصاد در این دوره زمانی، افزایش در آزاد سازی تجارت را مشخص می نماید. در این خصوص کشورهای آفریقایی و بعضی کشورهای آسیایی میانه گوی رقابت را ر بوده اند (کاندیرو و چیتیگا، ۲۰۰۳)؛^۱ تجارت آنها بیشتر در بخش خدمات

بوده به طوری که حدود ۲۵ درصد از تجارت مشترک آنها اگر چه افزایش به این زمینه اختصاص داشته و تجارت بخش خدمات سهم معنی داری در فروش شرکت های چند ملیتی داشته است (هوگمن و ماتو، ۲۰۰۰)^۱. در نتیجه این حمایت از تجارت در سالهای اخیر، منافع ناشی از آزادسازی بیشتر افزایش یافته است (هوگ، ۲۰۰۲)^۲.

۳- آزادسازی تجارت و FDI

سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) در صورت فقدان یا نبود منابع داخلی سرمایه گذاری به کمک اقتصاد ملی خواهد آمد و شکاف منابع سرمایه و سرمایه گذاری ملی را پوشش می دهد. از این طریق FDI می تواند رشد و توسعه اقتصادی را متأثر سازد و سرعت رسیدن به توسعه اقتصادی را با افزایش رو به رو کند. در این راستا کشورهای در حال توسعه که با کمبود منابع مالی داخلی مواجه هستند، تمایل بیشتری برای استفاده از FDI خواهند داشت.

از سوی دیگر سرمایه گذاری مستقیم خارجی از گذشته های دور، موضوع مورد بررسی اقتصاد بین الملل است و بویژه در سالهای اخیر، که با رشد رو به فزونی این نوع منابع سرمایه گذاری و حرکت در مسیر فرآیند جهانی شدن اقتصاد، نقش مؤثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی و ادغام اقتصادهای ملی در عرصه جهانی شکل ویژه ای به خود گرفته به مباحث مهم و مؤثر در تجارت بین الملل تبدیل شده و جایگاه ویژه ای را میان کشورهای جهان، بویژه کشورهای در حال توسعه به دست آورده است (کریمی هسنیجه، ۱۳۸۲). به عبارت دیگر سرمایه گذاری خارجی در اقتصاد توسعه یافته جهان امروز، توسط شرکتهای فراملیتی برای ارتقای رقابت پذیری، کسب سود بیشتر، دسترسی به بازار کار ارزانتر و رسیدن به بازار مصرف وسیعتر، به حضور در مناطق مستعد و دارای مزیت متمایل شده که این مسئله با پیشرفت سطح تکنولوژی، امکان انتقال سریع سرمایه و توسعه تجارت خارجی به میزان قابل توجهی افزایش نشان می دهد. از دهه ۱۹۷۰ تا کنون رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی بسیار زیاد شده و از رشد تجارت پیشی گرفته به طوری که بیش از دو برابر رشد صادرات کالا و خدمات بوده است (بهکیش، ۱۳۸۰).

2-Hoekman & Mattoo(2000)

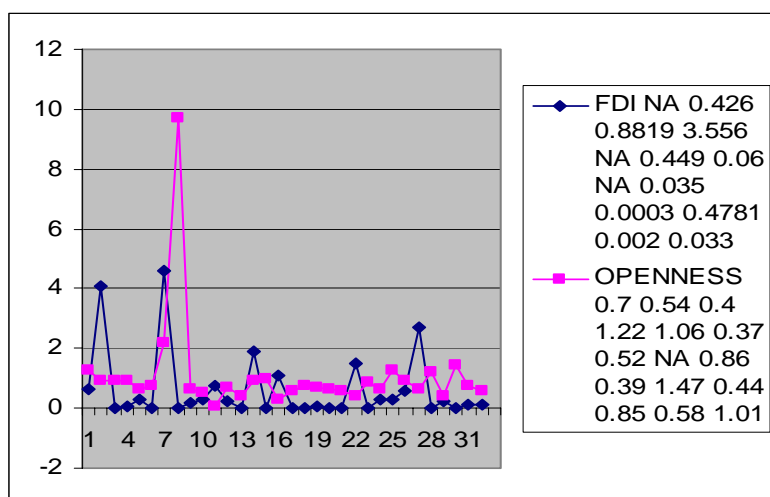
3-Hodge(2002)

تأثیر روند انبساطی تجارت خارجی در جهان بر گسترش و توسعه FDI قابل تأمل است به گونه ای که ارتباط این دو در اقتصاد امروز جهان یک وابستگی دائمی را حاصل نموده است. به نظر موتا و نورمن (۱۹۹۶)^۳ تأثیر جریانات تجاری در اقتصاد جهانی بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی رابطه مثبت دارد به طوری که بهبود دسترسی به بازار موجب FDI با جهتگیری صادراتی شده است و احتمال بیشتری دارد اقتصادهای ادغام شده از ثمره سرمایه گذاری مستقیم خارجی بهره برداری بیشتری نمایند. نظر گراهام^۱ (۱۹۹۶) این است که میان FDI و صادرات کشورهای آسیایی شرقی، کشورهای اروپایی و جهان همبستگی مثبتی وجود دارد. از نظر سازمان تجارت جهانی (WTO)، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و تجارت بین الملل عموماً پشتیبان یکدیگرند (سید نورانی، ۱۳۷۹).

آزادسازی تجارت مسیری است که می تواند در راستای افزایش حجم تجارت خارجی، جریان سرمایه های بین المللی را به سمت کشورها و اقتصادهای ملی سرازیر کند. تجربیات مختلف کشورهای جهان ارتباط مذکور را کاملاً نشان می دهد. کشورهای عضو OIC نیز که در سال های اخیر به افزایش تجارت جهانی روی آورده اند و با آزاد سازی تجارت نقش اقتصاد بین الملل را در رشد و توسعه افزایش داده اند، از این مسئله مستثنی نیستند و ارتباط مستقیمی را میان FDI و آزاد سازی تجارت از طریق شاخص اندازه باز بودن اقتصاد به نمایش گذاشته اند. نمودار شماره یک روند حرکت این دو متغیر اقتصادی را برای کشورهای عضو OIC در سال انتهایی دوره مورد بررسی این مطالعه کاملاً تشریح می کند.

نمودار شماره یک در نمایش روند حرکت دو متغیر اقتصادی FDI و درجه باز بودن اقتصاد، ارتباط تنگاتنگی را نشان می دهد. این نمودار بیان می کند که هر کشوری که درجه باز بودن اقتصاد بالاتری دارد، به همان میزان از ورود FDI بیشتر نیز بهره مند شده است. این مسئله به جز در مورد بعضی از کشورهای عضو OIC برای تمام کشورهای اسلامی عضو OIC کاملاً صادق است و ارتباط وابسته این دو متغیر را کاملاً تشریح می نماید. در ادامه این مقاله این ارتباط به صورت نظری و کاربردی مورد بررسی قرار می گیرد.

نمودار شماره ۱: ارتباط FDI و درجه باز بودن اقتصاد برای کشورهای عضو OIC
در سال ۲۰۰۴



بررسی آمار مربوط به FDI در طول دوره مورد بررسی یعنی سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ نشان می دهد روند حرکت متغیر FDI رو به افزایش بوده است. FDI برای کشورهای عضو OIC با مقدار ۹۱۴۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ به ۲۹۹۲۴ میلیون دلار در سال ۲۰۰۴ افزایش یافته است. در واقع نرخ رشد FDI در این دوره زمانی به طور متوسط ۲۲۷/۲ درصد بوده و در طول زمان همچنان در حال افزایش است. کشور ایران نیز از رشد FDI نموده اما نرخ رشد تجربه شده برای کشور ایران به رغم افزایش چشمگیر نشان می دهد کشور ایران جایگاه مناسبی را از برای جذب FDI میان کشورهای اسلامی کسب نکرده است و این مسئله با درجه باز بودن اقتصاد کشور ایران یعنی رتبه ۳۵ میان کشورهای عضو OIC ارتباط نزدیک دارد.

۴- مبانی نظری در مدل

در این مطالعه از مدلی استفاده شده که بارو^۱ (۱۹۹۱) و کاندیرو و چیتیگا^۲ (۲۰۰۳) استفاده نموده اند. مدل مذکور که دو معادله را شامل می شود و در دو روش جداگانه OLS و داده های تابلویی مورد برآورد قرار گرفته به صورت زیر است:

1-Barro(1991)

2-Kandiero & Chitiga (2003)

$$F_{it} = \beta_1 + \beta_2 \eta_{it} + \beta_3 X_{it} + e_{it} \quad (۱)$$

$$F_{it} = \beta_1 + \beta_2 \eta_{it} + \beta_3 X_{it} + \pi_{it} + Z_{it} \quad (۲)$$

در این روابط داریم:

F_{it} : FDI کشور i در دوره زمانی t است که در برآورد به صورت نسبی از GDP استفاده می شود.

η_{it} : اندازه باز بودن اقتصاد کشور i که با نسبت مجموع صادرات و واردات به GDP محاسبه شده است.

X_{it} : عوامل تأثیر گذار بر FDI نظیر:

- مالیات بر تجارت بین الملل که از طریق تعرفه واردات و صادرات حاصل می شود.
 - نرخ ارز مؤثر واقعی (REER)^۱
 - اندازه بازار با استفاده از شاخص جمعیت (POP) و تولید ناخالص ملی سرانه (GDP Per Capita) که بیانگر اندازه بازار بوده و بر اساس برابری قدرت خرید (PPP) تعدیل شده تا اثر کاهش ارزش داراییها و از بین رفتن منابع طبیعی بی تأثیر باشد.
 - دستمزد که به صورت واقعی مورد استفاده قرار گرفته است.
 - متغیر مجازی روابط خاص که سبب می شود میزان FDI در وضعیت مناسبتری عرضه شود.
 - عوامل متعددی در شکل گیری این متغیر نقش دارند نظیر درجه ریسک پذیری، بازدهی مورد انتظار، اوضاع سیاسی و ...
 - Π_{it} : تأثیرات انفرادی و خاص مربوط به کشور i نظیر فاصله جغرافیایی، مرزهای مشترک زمینی، مرزهای مشترک آبی، مشارکت های فرهنگی و ... که در طول زمان ثابت است.
- جمله اختلال: z_{it}, e_{it}

از آنجا که این مطالعه به دنبال اتخاذ بهترین روش برآورد است، ابتدا مدل (۱) از روش OLS مورد برآورد قرار می گیرد که این مدل فاقد متغیر مربوط به تأثیرات انفرادی و خاص کشورهاست. به همین دلیل نتایج اریب داری را حاصل می کنند. زیرا در این روش تعدادی متغیرهای حذف شده وجود دارند و یا تعدادی از متغیرها عملاً در نظر گرفته نمی شوند. در نتیجه ناهمگنی میان کشورهای شریک در نظر گرفته نشده است. به همین برای در مرحله بعدی برآورد

مدل (۲) از روش داده های تابلویی انجام گرفته تا با توجه به نتایج حاصله که شامل تأثیرات ثابت^۱ و تأثیرات تصادفی^۲ است، بهترین نتایج بدون اریب حاصل گردد. چرا که در این مدل تأثیرات خاص مربوط به کشورهای مورد مطالعه لحاظ گردیده و نتایج کارایی بیشتری را نشان می دهند و از قدرت توضیح دهندگی بهتری نیز برخوردارند. در ادامه آزمونهای مختلفی انجام گرفته تا مشکلات مربوط به ناهمسانی و اریانس ها برطرف شود.

۵- نتایج تجربی

نتایج برآورد مدل مورد استفاده در جدول شماره دو آمده است. مشاهدات در این مدل به تعداد ۲۲۵۰ مشاهده می رسد. ستون اول برآورد مربوط به مدل شماره یک، نتایج روش معمولی (OLS) را نشان می دهد و ستون دوم نتایج مربوط به مدل شماره دو، حاصل برآورد به روش داده های تابلویی است. آزمون جمعی والد^۳ و آزمون F نتایج را از نظر سازگاری و نااریب بودن کاملاً بررسی نموده است. به نظر می رسد روش برآورد داده های تابلویی نتایج بهتری را حاصل کرده است. به علاوه در این روش براساس آزمون هاسمن، روش تأثیرات ثابت (FE) مورد انتخاب قرار می گیرد. نتایج روش OLS از نظر آماره t ، ضرایب معنی داری را ارائه نمی کند.

1-Fixed Effect
2-Random Effect
3-Wald Test

جدول شماره ۲: نتایج برآورد مدل FDI

متغیر	OLS	Fixed Effect
مقدار ثابت	-۰/۹۲* (-۳/۴۸)	—
درجه باز بودن	۰/۲۲* (۱/۶۹)	۰/۳۱* (۱/۸۵)
مالیات بر تجارت	-۰/۰۲۱ (-۱/۰۲)	-۰/۱۲* (-۱/۹۸)
نرخ ارز مؤثر واقعی	-۲/۹۹ (-۱/۰۸)	-۲/۸۱* (-۲/۲۵)
دستمزد	-۰/۰۰۸* (-۲/۱۰)	-۰/۰۱۸* (-۲/۴۸)
اندازه بازار	-۰/۰۳ (-۱/۴۰)	۰/۱۱* (۳/۰۴)
روابط خاص	۰/۰۵۵ (۱/۵۸)	۰/۰۴۱* (۳/۸۵)
\bar{R}^2	۰/۸۶	۰/۹۴
تعداد مشاهدات	۲۲۵۰	۲۲۵۰
آماره F	۲۲/۲۷۳(۰)	۲۸/۴۴۲(۰)
آماره والد	—	۴۴۸/۲۵(۰)
آماره هاسمن	—	۳۱/۴۸۲(۰)

- اعداد داخل پرانتز آماره t است و علامت (*) معنی داری آن را در سطح ۵ درصد اطمینان نشان می دهد.

- در مورد آماره های F، والد و هاسمن احتمال رد فرضیه صفر در پرانتز نشان داده شده است.

مأخذ: یافته های تحقیق

به عبارت دیگر در این روش، متغیرهای مالیات بر تجارت، نرخ ارز مؤثر واقعی، اندازه بازار مجازی روابط، ضرایب معنی داری را در برآورد حاصل نکرده است. به علاوه میزان \bar{R}^2 در مقایسه با روش FE از قدرت توضیح دهندگی کمتری برخوردار است.

در روش برآورد FE که به نظر می رسد، روش مناسبتری برای این برآورد باشد، ضرایب همه در سطح ۵٪ معنی دار هستند و از علامت مورد انتظار نیز بهره می برند. در این برآورد ضریب درجه باز بودن نشان می دهد که افزایش ۱ درصد در درجه باز بودن، نسبت FDI به GDP را ۰/۳۱ درصد تغییر می دهد؛ به عبارت دیگر نشان می دهد که آزادسازی تجاری تأثیر معنی داری بر جذب FDI دارد. ضریب برآوردی متغیر مالیات بر تجارت نشان می دهد که کاهش در این متغیر میزان FDI را افزایش می دهد. همچنین کاهش نرخ ارز مؤثر واقعی نیز بر افزایش اثر FDI مستقیم خواهد داشت. به علاوه دستمزدهای داخلی نیز با جذب FDI رابطه معکوس دارد و بیان می کند که دستمزدهای پایین تر و یا نیروی کار ارزاتر می تواند برای جذب FDI انگیزه قویتری ایجاد نماید. متغیرهای اندازه بازار و روابط خاص نیز در جذب FDI اثر مستقیم دارا است اما ضریب متغیر اندازه بازار مقدار بزرگتر و تأثیر گذارتری را نشان می دهد.

۶- نتیجه گیری

حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) از روند افزایشی رو به تزایدی در اقتصاد امروز جهان برخوردار است و سهم کشورهای مختلف جهان از این سرمایه ها نیز متفاوت بوده و به وضعیت و سیاستگذاری های اقتصادی آنان کاملاً وابسته است. در این راستا باید به افزایش تجارت خارجی اشاره کرد که تأثیرات زیادی را در جذب FDI دارا است. آزاد سازی تجارت که با شاخص درجه باز بودن اندازه گیری می شود از مهمترین عوامل اقتصادی است که در جذب FDI کاملاً مؤثر، و در روند افزایشی آن تأثیر گذار می باشد.

مطالعه کنونی تلاش نموده تأثیر آزادسازی تجارت را بر جذب FDI میان کشورهای عضو OIC بررسی نماید. در این خصوص برآورد مدل انتخاب شده در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ مشخص نمود که روش برآورد داده های تابلویی نتایج کاراتر و سازگارتری ارائه می نماید. چرا که با در نظر گرفتن تأثیرات خاص و انفرادی مربوط به هریک از کشورها، هرگونه اریب از نتایج دور خواهد شد.

نتایج برآورد مدل انتخابی در روش داده های تابلویی نشان داد که آزاد سازی تجارت می تواند موجب جذب بیشتر FDI میان کشورهای عضو OIC شود. بر این اساس افزایش ۱ درصد در آزادسازی تجارت می تواند ۰/۳۱ درصد نسبت FDI به GDP را افزایش دهد. در این خصوص و با توجه به مدل انتخابی، کشور ایران نیز می تواند از این تأثیر بهره مناسب را به خود اختصاص دهد. نتایج برآورد همچنان نشان داد که متغیرهای اندازه بازار و روابط خاص می توانند تأثیر مثبت و مستقیم در جذب FDI داشته باشند در حالی که متغیرهای مالیات بر تجارت، نرخ ارز مؤثر واقعی و دستمزدها در صورت کاهش می توانند مسیر جذب بیشتر FDI را فراهم آورند.

۷- پیشنهادها

با توجه به نتایج بررسی این مقاله می توان پیشنهادهای ذیل را مورد توجه قرار داد:

- کشورهای اسلامی بویژه کشور ایران باید مسیر لازم را برای جذب سرمایه های خارجی فراهم آورند زیرا تأثیرگذاری سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) بر حجم تجارت خارجی و اقتصاد داخلی کشورها قابل اغماض نیست.

- از آنجا که آزادسازی از طریق افزایش درجه باز بودن تأثیر مثبت و مستقیمی بر جذب FDI دارد، کشورهای اسلامی باید تلاش کنند تا از این طریق بتوانند به جذب سرمایه های خارجی مبادرت ورزند.

- کاهش تعرفه ها به عنوان مالیات بر تجارت، کاهش دستمزدهای داخلی و کاهش نرخ ارز موثر واقعی که همگی از عناصر تأثیرگذار بر اقتصاد بین الملل هستند، می توانند موجب جذب بیشتر FDI در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی گردند. بنابراین پیشنهاد می شود کشورهای مذکور در برای آزادسازی تجارت و باز شدن اقتصاد، سیاستهای کاهش و انقباضی را در مورد متغیرهای ذکر شده به کار گیرند.

- با توجه به تأثیر متغیر اندازه بازار پیشنهاد می شود کشورهای مذکور در برای افزایش GDP سرانه خود تلاش بیشتری به عمل آورند و اندازه بازار بزرگتری را برای خود فراهم آورند تا زمینه جذب سرمایه های مستقیم خارجی بیشتر فراهم شود. این مسأله در گرو افزایش بیشتر GDP و کاهش رشد جمعیت است.

منابع و ماخذ

- اسدی، مرتضی و سید آقا زاده، سید رضا، (۱۳۷۸)، "نقش سرمایه خارجی در رشد اقتصادی"، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، سال هفتم، شماره ۲.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره حساب های اقتصادی، سال های مختلف بهکیش، محمدمهدی، (۱۳۸۰)، *اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن*، نشر نی، تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی، مجموعه اطلاعات سری زمانی: آمار حساب های ملی، پولی و مالی، دفتر اقتصاد کلان، سال های مختلف.
- سید نورانی، سید محمد رضا، (۱۳۷۹)، اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر تقاضای کل *اقتصاد*، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۷ و ۸.
- کریمی هسنیجه، حسین، (۱۳۸۲)، جهانی شدن، یکپارچگی اقتصادی و مناسب ترین ترتیبات تجاری، منطقه ای برای اقتصاد ایران، پایان نامه دکتری، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- کلباسی، حسن و جلایی، سید عبدالمجید، (۱۳۸۱)، "بررسی تأثیرات جهانی شدن بر تجارت خارجی ایران"، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۱۱.
- گجراتی، دامودار، (۱۳۷۱ و ۱۳۷۲)، *مبانی اقتصاد سنجی*، ترجمه: حمید ابریشمی، انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول و دوم.

- Adlung R., A. Carzeniga and others (2002), 'The CATS. Key Features and Sectors,' in B. Hoekman, P. English, and A. Matoo (eds.), *Development, Trade and the WTO, A Handbook*, Washington DC: World Bank.
- Anderson T.W. and C. Hsiao (1981), 'Estimation of Dynamic Models with Error Components,' *Journal of the American Statistical Association*, 76. 598-606.
- Arellano, M. and Bond, S. (1991), 'Some Tests of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and an Application to Employment Equations,' *Review of Economics Studies* 58.227-97.
- Asiedu, E (2002), 'On the Determinants of Foreign Direct Investment to Developing Countries: If Africa Different', *World Development*, 30, 107-119.
- Baltagi, B.H.(1995), *Econometric Analysis of Panel Data*
- Barro, R. J. (1991), 'Economic Growth in a Cross-Section of Countries,' *Quarterly Journal of Economics*, 106. 407-443.

- Basu, A. and K. Srinivsan, (2002), '*Foreign Direct Investment in Africa- Some Case Studies*'. IMF Working Paper, Number WP/02161, Washington DC: IMF.
- Casselli, F. G. Esquivel, and F. Lefort (1996), 'Reopening the Convergence: A New Look at Cross-Country Growth Empirics,' *Journal of Economic Growth*, 1.363-389.
- Dollar, D. and A. Kraay (2001), '*Trade, Growth and Poverty*'. World Bank Working Paper, Washington DC: World Bank.
- Edwards, S. (1990), '*Capital Flows, Foreign Direct Investment, and Debt - Equity Swaps in Developing Countries*'. NBER Working Paper No. 3497 (Cambridge, MA: NBER)
- Hartzenberg, T. (2002), '*Competition Policy in SADC*,' Presented at TIPS Workshop on Global Integration, Sustainable Development, and the Southern African Economy. Johannesburg: Trade and Industrial Policy Secretariat.
- Hedge, J. (2002), '*Liberalizing of Trade in Services in Developing Countries*,' In B. Hoekman, P. English, and A. Mattoo (eds.), *Development, Trade and the WTO, Handbook*, Washington DC: World Bank.
- Hoekman, B. and A. Mattoo (2000), 'Services, Economic Development and the Next Round of Negotiations on Services,' *Journal of international Development*, 12:283-96.
- Kandievo, T. & Chitiga, M. (2003), '*Trade Openness and Foreign Direct Investment in Africa*', Annual Conference of Southern Africa, South Africa.
- Kumar, N. (2002), *Globalization and the Quality of Foreign Direct Investment*. Oxford: Oxford Press.
- World Bank (2000, 2004), *World Development Indicators*.